

مقدمه

قرآن کریم، سوره مبارکه بقره، آیه ۲۰۵: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ
الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»

ترجمه آیه: «و چون به حکومت رسد، در زمین به تکاپو می افتد تا در آن تباهی کند و
کشت و نسل بشر را به نابودی کشاند، و خداوند تباهی را دوست نمی دارد.»

بررسی های باستان شناسی نشان می دهد که تا نخستین دوره های نو سنگی، خبری از جنگ
نیست. ولی در ادوار بعدی عصر نوسنگی، بشر توانست سلاح بسازد و جنگ بین هموعان به
طور فزاینده ای آغاز شد. (لنسکی، لنسکی، ۱۳۶۹: ۱۹۹)

این واقعیتی مسلم است که «پیشرفت تکنولوژی همواره توان نهفته ای برای ویرانگری در بطن
خود پرورش می دهد» (همان: ۴۳۴) و قوه سلاح سازی بشر پا به پای پیشرفت علوم به پیش
آمده است. تا به امروز که سلاح های هراس آور کشتار جمعی قادرند تمدن قرن بیست و یکم
را به همان وضع پیش از عصر صنعت بازگردانند. قدرت ویرانگر ماشین جنگی جدید، چیزی
جزء نتیجه طبیعی قدرت پر هیجان تکنولوژی صنعتی امروزی نیست. از تأسف بارترین جنبه
های زندگی بشر در سال های پایانی قرن بیستم صرف مقادیر هنگفت پول برای ساخت جنگ
افزار و نابودی هموعان خود است. به رغم هیاهوی نظم نوین جهانی که طبعاً مستلزم کاهش
تهدید ناشی از جنگ افزارهای وحشتناک است، نه تنها قدرتهای بزرگ از تولید و فروش انواع
آن چشم نمی پوشند بلکه تنور تولید سلاح های مهلک تر با فن آوری پیشرفته را هر روز داغ
تر می کنند. هم اینک تهدید ناشی از وجود این سلاح ها به خصوص سلاح های کشتار
جمعی به گونه ای است که نمی توان آن را نادیده گرفت و با خیال آسوده از امنیت بین المللی
سخن گفت. (ولدانی، حق شناس، حق شناس، عصایی، ۱۳۷۳: ۶۰-۶۲) امنیتی که تک تک
اعضای جامعه بین المللی به آن نیازمندند.

در عین حال ممکن است بعضی معتقد باشند که سلاح های کشتار جمعی و به خصوص
سلاح های هسته ای بیشتر به قدرتهای دارنده آن مربوط می شود و بقیه را با آن کاری نیست.
ولی با نگاهی عمیق تر آشکار می شود که در این صحنه از سهم و نفع دیگران نباید غفلت
کرد. چرا که «خطر جنگ هسته ای چنان است که دامن نوع بشر را به تمامی می گیرد و منافع

نوع بشر در این مورد یکی می شود. دلایلی که برای جهاد بر ضد جنگ هسته ای اقامه می شود، چنانند که برای غرب، شرق و ملل غیر متعهد به یک اندازه کشش و قوت دارد.» (راسل، ۱۳۶۱: ۳۱۴)

از همین روست که موضوع خلع سلاح، خصوصاً سلاح های کشتار جمعی و بالاحص سلاح های اتمی به دلیل پیوند نزدیک آن با صلح و امنیت بین المللی، به یکی از چند مسأله اصلی جامعه بین المللی بدل شده است و همت و تلاش بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز مصروف آن می شود. قطعنامه های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل و درخواست رأی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری که منتهی به رأی ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ این دیوان شد، بخشی از آخرین تلاشهای این دسته از کشورهاست که به شکلهای دیگر همچنان ادامه دارد.

شورای امنیت خود تکثیر این سلاح ها را تهدید بر صلح و امنیت بین المللی می داند.^۲ (بیانیه رئیس شورای امنیت در پایان نشست سران دولت های عضو این شورا مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲)

دبیر کل وقت سازمان ملل -پطروس غالی- کاهش موجودی و عدم استفاده از سلاح های کشتار جمعی را از جمله لوازم اصلی صلح جهانی خوانده است. (Boutros, ۱۹۹۲: ۲) و دبیر کل پیشین -کوفی آنان- نیز رفع تهدیدهای سلاح های کشتار جمعی را آرزوی همه مردم در سراسر جهان و خلع سلاح هسته ای را از اولویت های جامعه بین المللی می داند. (annan, ۱۹۹۶: ۱-۳)

۱. در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴، مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه ۴۹/۷۵K، ضمن استقبال از درخواست نظر مشورتی توسط سازمان بهداشت جهانی، خود نیز با طرح این پرسش که آیا تهدید به استفاده یا استفاده از سلاحهای هسته ای، در هر شرایطی بر اساس حقوق بین الملل مجاز می باشد، خواستار نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری شد. نظر مشورتی دیوان: «اگر توسل به سلاحهای هسته ای در بردانده عنصر قصد «کشتار جمعی» نسبت به گروهی باشد که بر اساس ماده مذکور پیش بینی شده -ماده ۲ قرارداد راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن- ممنوعیت کشتار جمعی در این مورد مطرح می گردد، به عقیده دیوان، تنها زمانی می توان به این نتیجه رسید که شرایط مربوط به هر قضیه مورد توجه قرار گیرد.»

۲ همچنین در اعلامیه مزبور تصریح گردیده که: «نبود جنگ و درگیری بین دولتها به خودی خود تصمیم کننده صلح و امنیت بین المللی نیست.»

هم او اعتقاد دارد که باید قدر موفقیت هایی را که در راه مبارزه با سلاح های کشتار جمعی به دست آمده، دانست و آخرین قدم ها را برای برچیدن نهایی ذخائر این سلاح ها بر داشت. (annan، ۱۹۹۷: ۳۷)

با این همه دارندگان عمده سلاح های هسته ای حاضر نیستند به خواست اکثریت دولتها تن در دهند. دفاع دولتهایی چون آمریکا، انگلستان و فرانسه از نظریه «عدم ممنوعیت استفاده از سلاح های هسته ای» در قضیه رأی مشورتی یاد شده، گواه روشنی بر این است که از نظر این دولتها چنانچه شرایط ایجاب کند از سلاح هسته ای هم می توان استفاده کرد. همین نشان دهنده ضرورت ادامه تلاش ها در این زمینه است که خود این امر از تحقیقات علمی بی نیاز نیست. آنچه که در مقام تحقیق درباره سلاح های کشتار جمعی و لزوم این قبیل پژوهشها را دو چندان می کند، اینکه کشور ما خود از آسیب دیدگان اصلی این سلاح ها در سالهای اخیر است. دور نیست سالهای جنگ تحمیلی با عراق که بسیاری از رزمندگان ایرانی با حملات شیمیایی، مصادوم شده یا به درجه رفیع شهادت نائل گشتند. روحشان شاد.

به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در عرصه مبارزه با این سلاح ها همواره فعال بوده و به معاهدات بین المللی مربوط پیوسته است، که در خلال بحث ذکر می نمایم.

فصل اول: کلیات

۱-۱: بیان مسأله

با توجه به افزایش جمعیت انسانها بر روی کره زمین، کشورها و حکومت‌ها در تلاش هستند تا نیازهای جامعه خود را برآورده کنند، در این کشمکش حکومت‌ها برای تأمین نیازهای خود، و با افکار خصمانه و ناعادلانه و با توسل به زور در تلاش هستند که خود را همیشه آقای جهان معرفی کنند و با اتکا بر قدرت جنگی و فشارهای سیاسی خود، کشورهای جهان سوم را در تسخیر خود بگیرند، می‌توان برای این شیوه استعمار جدید را نامگذاری کرد. مصداق بارز این زورگویی‌ها ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی می‌باشد که با تکیه بر ثروت فراوان خود از دوران استعمارگری و با اقدامات تروریستی و جنگ طلبانه خواستار براندازی دولت‌های مخالف خود به هر طریقی و چپاول و غارت این کشورها می‌باشند. ما در این پایان‌نامه خواستار بررسی یکی از فجیع‌ترین این اقدامات یعنی استفاده از وسایل کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق هستیم تا زمینه را برای حل مسألت آمیز مسائل سیاسی کشورها از طریق دیپلماسی کارآمد ایجاد شود.

۱-۲: سابقه و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه هیچ‌کس تاکنون در ارتباط با این موضوع به رشته تحریر در نیامده است و مقاله‌های موجود با کم و کاستی‌هایی رو به رو هستند، لذا این پایان‌نامه، پژوهشی جدید محسوب می‌شود. مضاف بر اینکه ما در این پژوهش قصد داریم از نظرات فقهی مراجع عظام تقلید در عصر حاضر نیز استفاده کرده و نظر مشهور آنها را در خلال بحث، مورد بررسی قرار دهیم. در مورد ضرورت انجام تحقیق نیز اشاره به چند نکته ضروری است: اولاً باتوجه به نبود پشتوانه معتبر اجرایی برای قوانین موجود، پیشنهادات و زمینه‌هایی را برای ایجاد یک قانون مدون و منسجم ارائه دهیم. ثانیاً خواستار حل مشکلات و معضلات سیاسی بین‌کشورها از طریق دیپلماسی کارآمد و روش‌های دیگر که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت، هستیم. ثالثاً با بحث و بررسی شرعی و قانونی زمینه‌ای را برای ایجاد هر چه محدود کردن استفاده از وسایل کشتار جمعی ایجاد نماییم.

۳-۱: فرضیه های تحقیق

- ۱- ساخت و استفاده از وسایل کشتار جمعی حجت شرعی و قانونی ندارد.
- ۲- اقدام به ساخت این وسایل برای دفاع از حکومت خود و با اندیشه مقابله به مثل شرعاً و قانوناً جایز است.
- ۳- برای برقراری عدالت در سطح جهانی نیاز به وسایل کشتار جمعی برای مقابله با ناعدالتی نیست.
- ۴- اقدامات و راهکارهای مؤثر قانونی داخلی و بین المللی برای جلوگیری و استفاده صحیح از این فناوری را می توان انجام داد.
- ۵- می توان گفت که هدف از ساخت و تولید فناوری وسایل کشتار جمعی در جهت پیشرفت علم بوده که در مسیر استفاده نادرست قرار گرفته است.

۴-۱: اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش پاسخ گفتن به این سؤالات است:

- ۱- آیا می توان سلاح های کشتار جمعی را در جهت عدالت به کار برد؟
- ۲- با توجه به اصول و اعتقادات اسلامی، آیا نمی شود از طریق گفتگوی بین کشورها مسائل سیاسی و منطقه ای را حل کرد؟
- ۳- آیا می توان از وسایل کشتار جمعی با عنوان دفاع مشروع از کشور خود استفاده کرد؟
- ۴- آیا نباید تولید و پیشرفت علم را در جهت کمک به بشر به کار برد نه کشتار آنها؟

۵-۱: روش شناسی تحقیق

در علوم نظری روش کتابخانه ای مرسوم است و بیشتر از این روش برای گردآوری اطلاعات استفاده می شود و همچنین از نظرات علماء، فقهاء، حقوقدانان و صاحب نظران استفاده می شود و با بررسی مقالات و سایت ها، مطالب جدید در مورد موضوع مورد نظر به دست می آید که بنده این کار را انجام داده، علاوه بر این هر قسمت از پایان نامه را جداگانه با بررسی منابع و مباحث مربوط به آن جمع آوری نموده و به نگارش خواهم پرداخت.

روش انجام تحقیق به این صورت می باشد که:

- ۱- کتاب شناسی و منبع شناسی تحقیق
- ۲- جمع آوری اطلاعات و فیش برداری از مطالب مرتبط با بحث
- ۳- تجزیه و تحلیل مطالب
- ۴- ترکیب و تدوین مطالب
- ۵- جمع بندی مطالب و نتیجه گیری
- ۶- نگارش پایان نامه

۱-۶: محدودیت ها

خاطر نشان می کنیم که از منبع اینترنت به علت نیاز مبرم به مباحثی که در کتب مطالعه شده، مشاهده نشده است، استفاده کردم و سعی شده است از سایت های معتبر استفاده شود تا به اعتبار پایان نامه خدشه ای وارد نکند. چرا که امروزه اینترنت یکی از منابع معتبر و به روز علمی، محسوب می شود.

۷-۱: مفهوم سلاح کشتار جمعی و معیارهای تشخیص آن

اصطلاح «سلاح های کشتار جمعی» - Weapons of mass-destruction (WMD) - برای نخستین بار در ۲۸ دسامبر ۱۹۳۷ در گزارش یک خبرنگار در روزنامه تایمز و در قالب توصیف وضعیت ویرانی های ناشی از بمباران شهر گرنیکا -Guernica- ابداع شد.^۱

در ادبیات حقوق خلع سلاح نیز این اصطلاح، مترادف سلاح های نامتعارف تلقی می شود. حقوق بین الملل که هنوز مراحل تکامل را به خوبی طی نکرده، در اغلب حوزه ها با معضل تعریف مواجه است. با اینکه معاهدات متعددی در خصوص سلاح های کشتار جمعی وجود دارد اما هیچیک به تعریف این سلاح نپرداخته اند. دولتها بدون آنکه با چنین تعریفی، دامنه اصول حاکم بر این سلاح ها را محدود سازند، با نگاه مصداقی این حق را برای خود محفوظ داشته اند تا در طول زمان، هر سلاحی را در این قالب قرار دهند.^۲

با اینکه عمدتاً سلاح های شیمیایی، بیولوژیک و هسته ای را سلاح های کشتار جمعی می دانند اما در تعاریف جدید، سلاح های رادیولوژیک و حتی سلاح های متعارفی که نوع کاربرد آنها موجب ایجاد حجمی عظیم از تلفات می شود (Macfarlane, ۲۰۰۵: ۲) در این قالب تبیین می گردد.

همین تعریف گسترده و موسع در برنامه دفاع غیر نظامی ایالات متحده و قانون این کشور در خصوص جنگ و دفاع ملی، پذیرفته شده است.^۳

البته باید خاطر نشان کنیم که تعریف و انواع سلاح های کشتار جمعی را بعد از بررسی مفهوم سلاح های کشتار جمعی و معیارهای تشخیص آن بیان می کنیم.

اصطلاح «سلاح های کشتار جمعی» در اسناد حقوقی نخستین بار در سال ۱۹۴۸، در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک به کار رفت -این کمیسیون را شورای امنیت در ۱۳ فوریه ۱۹۴۷ تأسیس کرد- و از آن پس رواج گسترده ای یافت.

^۱ http://www.en.wikipedia.org/wiki/weapons_of_mass_destruction

^۲ <http://www.asil.org/insights/insight97.htm>

^۳ http://www.nti.org/f_wmd411/f1a1.html

سلاح های کشتار جمعی شامل سلاح های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آن ها یاد می شود -البته در زبان فارسی، علامت مخفف این سلاحها «ش.م.ه» است که نیروهای نظامی در تعلیمات خود تحت همین عنوان نحوه ی مقابله با آن را می آموزند. این حروف مخفف عبارات شیمیایی، میکروبی و هسته ای است. گاهی نیز از این سلاح ها با عنوان «ش.م.ر» یاد می شود که حرف «ر» مخفف کلمه رادیو اکتیو است - و در مقابل سلاح هایی قرار دارند که به سلاح های متعارف موسوم هستند. در واپسین سال های قرن بیستم توجه فزاینده ی جامعه بین المللی بیش از پیش به این سلاح ها معطوف شده است.

۱-۷-۱: معیار های تشخیص سلاح کشتار جمعی

بعد از مطالعات صورت گرفته، مشخص گردید که در ارتباط با معیار های تشخیص سلاح های کشتار جمعی دکتر نادر ساعد، مطالبی جامع تر در مقایسه با دیگر اساتید حقوق آورده اند، پس بدیهی می نماید که بیشتر به ذکر استنادات ایشان بعد از ذکر مقدمه ای بپردازیم.

امروزه جهان با رفتار متناقضی که در ارتباط با سلاح های هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک در پیش گرفته، وضعیت های حقوقی متفاوت در خصوص این سلاح ها خلق نموده است.

در حالی که بر اساس حقوق بین الملل، تملک موقت سلاح های هسته ای توسط پنج دولت دارنده این سلاح ها، جلوه مشروع و قانونی یافته و توان سلاح های هسته ای دولت-رژیم های آستانه «هند، پاکستان و اسرائیل غاصب» به صورت تاکتیکی توسط قدرت های هسته ای پذیرفته شده است، جلوگیری از استفاده و اکتساب سلاح های شیمیایی و بیولوژیک و انهدام ذخایر موجود به صورت هنجاری در حال جهانی شدن در آمده است. البته تلاش هایی هم برای از بین بردن سلاح های هسته ای شده است اما بر خلاف سلاح های شیمیایی ثمره عملی ای نداشته اند.

در اینجا به چند نمونه از فراخوان های دبیر کل سازمان ملل متحد، بان کی مون در این راستا اشاره می کنیم:

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد: دبیر کل سازمان ملل متحد -بان کی مون- در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۱۲ به مناسبت روز گرامی داشت یاد تمامی قربانیان سلاح های شیمیایی گفت: این

روز زمانی است که قربانیان سلاح های شیمیایی را از راه با معناترین شکل ممکن، به یاد آوریم یعنی با تعهد به حصول اطمینان از اینکه نسل های بعد هیچگاه متحمل بلایی نگردند که این انسان ها از آن رنج بردند. روز گرامی داشت یاد تمامی قربانیان سلاح های شیمیایی مناسبی است برای اندوهناک بودن برای آنانی که در اثر این سلاح های غیر انسانی متحمل رنج و مشقت شده اند و تجدید تصمیمات مبنی بر حذف این سلاح ها از جهان.

هنگامی که رنج و عذاب وارد شده از راه سلاح های شیمیایی را به جهانیان یاد آور می شویم، الزام آورترین مورد برای همواره غیر قانونی اعلام کردن آنها و برقراری و اثبات ممنوعیتی جامع و قانونی را به وسیله کنوانسیون سلاح های شیمیایی «CWC» ارائه می دهیم. امسال پانزدهمین سال به اجرا گذاشتن کنوانسیون سلاح های شیمیایی است. امروز کنوانسیون با ۱۸۸ دولتی که به نمایندگی از ۹۸ درصد جمعیت جهان به آن پیوستند، با اقتدار ایستاده است.

کنوانسیون از طریق مقرراتی محکم، ترتیبات مؤثر بین المللی برقرار داشته تا نابودی سلاح های شیمیایی انباشته شده تحقق یابد و از پیدایش مجدد آنها جلوگیری گردد. این امر موجب کاهش خطر تروریسم از راه سلاح های شیمیایی می شود و اقدام سازمان ملل متحد در جلوگیری از استفاده سلاح های کشتار جمعی به وسیله تروریست ها را تقویت می کند. تقریباً سه چهارم تمامی محل های انباشت اعلام شده، نابود گردیده اند. اینجانب از تلاش های سازمان منع سلاح های شیمیایی (opcw) در حصول اطمینان از اینکه تمامی سلاح های شیمیایی در اسرع وقت نابود گردند، استقبال می کنم.^۱

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد: گزیده ای از فراخوان دبیر کل سازمان ملل متحد برای نابودی ذخایر سلاح های شیمیایی: بان کی مون خواستار تلاش های همگانی برای نابودی ذخایر سلاح های شیمیایی و ارتقای فراگیر و اجرای کنوانسیون سلاح های شیمیایی در سراسر جهان شد. همچنین در این فراخوان آمده است که جامعه بین المللی بر محکومیت این سلاح های غیر انسانی کشتار جمعی تأکید می کند.^۲

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد: دبیر کل سازمان ملل متحد در پیامی به مناسبت اولین روز بین المللی مبارزه با آزمایش هسته ای، ۲۹ اوت ۲۰۱۰ گفت: همان گونه که ما باید مانع از

^۱ <http://www.unic-ir.orgprfarsi۶۴۲۰۱۲.html.htm>

^۲ <http://www.unic-ir.orgprfarsi۱۶۹۲۰۱۱.html.htm>

انتقال مشکل آزمایش هسته ای به نسل های آینده شویم، باید برای ایجاد جهانی امن تر تلاش نماییم. بان کی مون می گوید در حالیکه ما اولین روز بین المللی مبارزه با آزمایش های هسته ای را گرامی می داریم اینجانب مشتاقانه با تمامی شرکای نهضت جهانی رو به رشد برای رهایی دنیا از شر تهدیدات هسته ای، جلوگیری از سرمایه گذاری بر سلاح های هسته ای و اجرای کامل معاهده جامع منع آزمایش های هسته ای همکاری می نمایم.^۱

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد : بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در آغاز کار بازنگری پنج سالانه معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT)، کشورها را ترغیب کرد که به هدف خلع سلاح هسته ای واقعیت بخشند. ایشان ان پی تی را اساس رژیم منع گسترش سلاح های هسته ای جهان توصیف کرد، و همچنین به عنوان یکی از مهم ترین معاهدات جهانی که تا کنون حاصل شده است. با وجود تهدید هسته ای که هنوز واقعیت دارد، آقای بان تأکید کرد «ما به چنین رژیمی به همان اندازه همیشه نیاز داریم.»^۲

در واقع، در میان این سه دسته سلاح، آن دسته که از همه مخرب تر است -سلاح هسته ای- در چارچوب محدودیت های خاصی قانونی است در حالی که سلاح های شیمیایی و بیولوژیک با کارایی محدود و مبهم، ممنوع شده اند. در هر حال، با در نظر گرفتن رویه دولت ها به نظر می رسد که شناخت سلاح های کشتار جمعی بر عناصری اساسی استوار است که نه تنها شامل برخی سلاح های موجود می شود بلکه این انعطاف را داراست که سلاح های جدید را نیز در بر گیرد.

علاوه بر وضعیت حقوقی مختلف این سلاح ها، این سه دسته سلاح از نظر ماهیت تکنیکی و اهمیت نظامی کاملاً با هم متفاوت هستند -بر خلاف سلاح های شیمیایی که سلاح اتمی فقرا نامیده شده و از فناوری و دانش ساده ای برای تولید و توسعه تبعیت می کنند، سلاح های بیولوژیک و هسته ای به ترتیب در زمره پیچیده ترین سلاح ها تلقی می شوند و توان فنی و علمی خاصی نیاز دارند- توقف حرکت نظم حقوقی بین المللی در حوزه سلاح های هسته ای و اکتفای آن به وضعیت عدم گسترش افقی، پیشرفت در نظارت بین المللی بر این سلاح ها و حل تناقضات موجود در نظام عدم گسترش را که برجسته ترین معاهده ناسازگار با اصول

^۱ <http://www.unic-ir.orgprfarsi۲۶۸۲۰۱۰.html.htm>

^۲ <http://www.unic-ir.orgprfarsi۱۴۲۲۰۱۰.html.htm>

عدالت و برابری است، دشوارتر نموده و مقبولیت ادامه قبول و اجرای آن را نیز به شدت تضعیف نموده است.

دکتر نادر ساعد معتقد است که: برای تبیین عناصر اساسی تعریف سلاح های کشتار جمعی به تاسی از نوشتار ارائه شده توسط دکتر جمشید ممتاز در انستیتو بین الملل دانشگاه ارسطو در سالونیک یونان، به دو شاخص عمومی قابلیت یا قدرت تخریب و نتیجه عملی و فعلیت یا حجم تلفات اشاره می شود و سپس معیاری دیگر یعنی دفاع ناپذیری سلاح های کشتار جمعی نیز مطرح می گردد. (ساعد، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۵)

۱-۱-۷-۱: قدرت تخریب، مرگ آفرینی و صدمه به امنیت فیزیکی

این سلاح ها، از نظر قابلیت و توان تخریب کنندگی، با سلاح های متعارف غیر قابل مقایسه بوده و از بالاترین توان تخریبی برخوردارند به طوری که مثلاً با استفاده از یک سلاح هسته ای، به آسانی انهدام کلی یک یا چند شهر میسر خواهد شد. در مورد سلاح های شیمیایی و بیولوژیک نیز هر چند آثارشان محدود به افراد انسانی و سایر جانداران است و تأثیری بر سیستم ها و امکان فیزیکی ندارند اما قادرند سطح وسیعی از انسان ها را در بر گرفته و حتی در سلاح های بیولوژیک تعمیم این آثار از طریق افراد بیمار به عنوان ناقل برای گسترش به سایر افراد و شکل گیری نوعی اپیدمی یا همه گیری ملی، منطقه ای و یا جهانی میسر است.

سلاح های هسته ای می تواند قدرت کلی انفجاری در مواد منفجره را به میزان یک میلیون برابر افزایش دهد. سلاح های منفجر شده در هیروشیما و ناگازاکی که موجب مرگ دویست و پنجاه هزار نفر شدند، حدوداً دارای قدرت انفجاری یک دهم سلاح های هسته ای امروزی بودند. حتی بعد از کاهش این تسلیحات پس از جنگ سرد، اکنون بیش از ۳۰۰۰۰ سلاح هسته ای در زرادخانه های برخی دولت ها باقی مانده است. قدرت تخریب سلاح های هسته ای کاملاً قابل پیش بینی است. در صورتی که یک کلاهک گرمایی هسته ای (ترمونوکولیر) یک مگاتنی در مناسب ترین ارتفاع روی یک شهر بزرگ منفجر شود، تا پنج مایلی نقطه انفجار، هیچ موجودی زنده نخواهد ماند. با افزایش برد تخریب، می تواند توفانی ناشی از آتش سوزی آغاز شود و غبار مرگبار ناشی از مواد رادیواکتیو کل منطقه اصابت و انفجار را می پوشاند.

این در حالی است که در سلاح های متعارف غیر از سلاح های غیر انسانی یا کور مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۰، به دلیل اینکه قابلیت تخریب کنندگی مواد انفجاری و مهمات نهفته در آنها

محدود است، تنها افراد یا اهداف خاص مورد حمله، تحت تأثیر پیامدهای مواد انفجاری قرار می‌گیرند و حجم تلفات هم محدود بوده و موجب کشتار وسیع افراد نمی‌گردد. طبیعی است که داشتن قدرت بالای تخریب و کشتار، ضرورت محدود شدن و حتی حذف این دسته از سلاح‌ها را بیشتر می‌نماید. (همان: ۴۶-۴۷)

۱-۷-۱-۲: حجم تلفات و پیامدها

علاوه بر قابلیت‌ها و پتانسیل سلاح‌های کشتار جمعی، نتایج فعلیت یافتن این قابلیت‌ها نیز از عناصر تشخیص و تعریف سلاح‌های مذکور است. وصف انهدام، تخریب یا کشتار جمعی، گستردگی سطح تلفات و صدمات ناشی از این دسته از سلاح‌ها را نمایان می‌سازد. آثار سلاح‌های کشتار جمعی بر خلاف سلاح‌های متعارف، محدود به اشخاص و اهداف معین نمی‌شود و نه تنها قابلیت آنها بلکه از نظر نتیجه و فعلیت نیز محدود به اهداف خاص نخواهند شد و به همین دلیل هم ناقض اصل تفکیک در منازعات مسلحانه و هم حرمت بی‌طرفی خواهند بود. کشتار نزدیک به دویست هزار نفر در شهر هیروشیما ضمن انهدام کلی این شهر در نتیجه استفاده از یک بمب هسته‌ای موسوم به «پسر کوچک» که نخستین محصول اتمی آمریکا بود، مصادیق منحصر به فرد ولی بارز نتایج کاربرد این دسته از سلاح‌های کشتار جمعی است. (همان: ۴۸-۴۹)

۱-۷-۱-۳: عدم امکان کنترل یا دفاع مؤثر

یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص در سلاح‌های کشتار جمعی، عدم امکان دفاع مؤثر است. دفاع هدفمند علیه سلاح‌های هسته‌ای خواه به صورت فعال خواه غیر فعال، اگر ممکن نباشد بی‌نهایت دشوار است. اسنایدر معتقد است که آمادگی دفاعی مانند دفاع غیر نظامی یا سیستم‌های دفاع موشکی، نتیجه بخش نبوده (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۲۴۹) و تنها به کاهش آنها محدود می‌گردد. این امر، از تخریب گسترده یک انفجار هسته‌ای و فراوانی گزینه‌های پرتاب در دسترس حمله‌کننده ناشی می‌شود.

بازدارندگی باید کاملاً مؤثر باشد و دفاع علیه روش‌های عملی حمله هسته‌ای باید جامع باشد. وسایل پرتاب سلاح‌های هسته‌ای به صورت موشک‌های بالستیک زمینی یا دریایی و موشک‌های کروز با بردهای مختلف، گلوله‌های توپ و هواپیما توسعه یافته‌اند و به کار می‌

روند. مواد منفجره هسته ای به صورت مهمات اتمی تخریب، سلاح های ضد دریایی، سلاح هایی که در زمین و هوا نفوذ می کنند و کلاهک های موشکی تسلیحاتی شده اند.

در نتیجه به عنوان نمونه، معیار دفاع در برابر سلاح های هسته ای، بسیار گسترده تر از معیار مربوط به سلاح های متعارف است. (ساعد، پیشین: ۴۹-۵۰)

اگرچه اختلاف و شبهه ای نسبت به نامگذاری این سلاح ها به «کشتار جمعی» به نظر نمی رسد - این سلاح ها با معادل های دیگری هم شناخته می شوند مانند «انهدام جمعی» یا «امحای جمعی» - ولی برای تحقیقی جامع تر نسبت به معیار های کشتار جمعی و مفهوم آن به نظرات برخی از صاحب نظران در این عرصه می پردازیم.

دکتر جمشید ممتاز معتقد است که: به طور کلی دو معیار برای تشخیص این سلاح ها از سایر تسلیحات مطرح است:

۱- قدرت تخریبی این سلاح ها

۲- اهداف آن ها

معیار قدرت در توافقات پاریس ۱۹۴۵ راجع به پیوستن آلمان فدرال به پیمان آتلانتیک شمالی مطرح شد. مطابق ضمیمه شماره ۲ پروتکل سوم توافقات مذکور، ناظر به کنترل تسلیحات، سلاح هایی که قابلیت انهدام و زیان های گسترده و یا ایجاد مسمومیت در سطح وسیع را دارند باید در زمره ی این سلاح ها قرار گیرند. با این وجود تکیه بر معیار قدرت تخریب به تنهایی برای توصیف سلاح های کشتار جمعی کافی نیست. زیرا در حال حاضر اگر از سلاح های موسوم به متعارف نیز استفاده ی سوء شود، نتایج و آثار مشابهی به بار می آید. بمباران های وسیع شهر آلمان در ماه های پایانی جنگ جهانی دوم، مؤید همین مطلب است. از این رو توجه به معیاری دیگر نیز ضرورت دارد.

بر اساس معیار دوم تنها به سلاح هایی می توان سلاح کشتار جمعی اطلاق کرد که ماهیتاً جز به منظور انهدام وسیع به کار نمی روند و آثار مخرب آن، چنان است که نمی تواند به اهداف معینی محدود شود. بنا به این معیار که قبول کمیته بین المللی صلیب سرخ هم افتاده است، تمام سلاح هایی که بنا به ماهیت خود و نحوه استفاده از آن موجب آثار مخرب غیر قابل تفکیک می شوند، در زمره ی سلاح های کشتار جمعی قرار می گیرند. این آثار عموماً غیر

قابل پیش بینی و مهار ناشدنی است که به همین سبب این سلاح ها را سلاح وحشت نیز می نامند. (ممتاز، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۳)

شارل روسو معتقد است که: سلاح تخریب جمعی تا کنون در حقوق قراردادی تعریف نشده است اما خاصیت اصلی این نوع سلاح این است که بدون تفکیک و تبعیض عمل می کند یعنی هم نظامیان و هم غیر نظامیان را می کشد، نظیر حمله های هوایی علیه شهرها که سلاح به کار برده شده، سلاح تخریب جمعی محسوب می شود. لفظ تخریب جمعی برای اولین بار در ماده ۴ قرارداد ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ راجع به «اصول حاکم بر فعالیت های کشورها در زمینه اکتشاف و بهره برداری از فضای ماوراء جو» آمده است اما هیچ گونه توضیحی یا تفسیری همراه آن دیده نمی شود.

حقوق قراردادی کلاسیک به ندرت سلاح هایی را که به عنوان سلاح تخریب جمعی شناخته شده بود، منع کرده است؛ پیشنهاد آلمان مبنی بر منع استفاده از تانک، در کمیسیون مقدماتی کنفرانس خلع سلاح در اول دسامبر ۱۹۳۰ رد شد چون نیت آلمان تعمیم حکم ممنوعیت بر تمام کشورها بود تا تبعیضی که طبق بند ۳ ماده ۱۷۱ معاهده ورسای درباره او انحصاراً به عمل آمده بود، برطرف شود. (روسو، ۱۳۶۹: ۱۴۲-۱۴۱)

دکتر ضیائی بیگدلی بیان می دارد که: اصطلاح «انهدام فراگیر» برای اولین بار در ماده ۴ معاهده مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ در مورد اصول حاکم بر فعالیت های کشورها در زمینه کاوش و بهره برداری از فضای ماوراء جو آمده، بدون آنکه متضمن هیچ گونه بیان تفسیری باشد. در مجموع و علی رغم عدم ارائه تعریفی مشخص و روشن از سلاح های انهدام فراگیر در حقوق قراردادی بین المللی، می توان با بیان خصوصیات بارز چنین سلاح هایی، تا حدود زیادی به مفهوم آنها پی برد.

بنابراین سلاح هایی که دارای ویژگی های زیرین هستند، در زمره ی سلاح های انهدام فراگیر می باشند:

- ۱- سلاح هایی که به مناطق وسیعی لطمات شدید وارد می کنند.
- ۲- سلاح هایی که آثار آنها غیر قابل کنترل و غیر قابل تمایز می باشند، مثلاً به نظامیان و غیر نظامیان لطمه می زنند.
- ۳- سلاح هایی که جهت برخورد به هدف معین، به حد کافی مشخص نمی باشند.

۴- سلاح هایی که پس از پرتاب قابل کنترل نیستند.

خصوصیات مذکور بیانگر مفهوم دقیق سلاح های انهدام فراگیر نمی باشند، زیرا همواره با وجود نکات مبهم در آنها، سؤالاتی چند مطرح می شود:

منظور از لطمات شدید چیست؟ آیا تخریب کامل یا جزئی ده، صد یا فقط یک کیلومتر و یا مرگ صد، هزار یا یکصد هزار نفر لطمه شدید محسوب می شود؟ مقصود از سلاح هایی که به حد کافی مشخص نمی باشند چیست؟ آیا منظور سلاح هایی است که هیچ گونه تضمینی به اینکه تیر آنها در یک شعاع ده، صد یا ده هزار متر به هدف برخورد کند نیست.

کمیته بین المللی صلیب سرخ، اصطلاحات سلاح های انهدام فراگیر و سلاح های کور را یکی می داند. از دید کمیته مزبور، سلاح های کور، سلاح هایی هستند «که نه تنها درد و رنج های زیادی را موجب می شوند، بلکه چگونگی کاربرد آنها به حد کافی دقیق نبوده و یا آثار آنها به گونه غیر قابل کنترلی خطر گسترده شدن در زمان و مکان را دارد.» (بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱۸۸)

پس از تبیین مفهوم و مشخصات سلاح های کشتار جمعی، به انواع این سلاح ها و تعاریف آن ها می پردازیم.

۸-۱: تاریخچه تسلیحات کشتار جمعی

تاریخ زندگی بشر مملو است از تلاش انسان برای استیلا بر دیگران. در طول تاریخ انسان ها به جهات مختلف در قالب قبایل و مناطق گوناگون به جنگ با همدیگر رفته اند. و در این جنگ ها از ابزارهای مختلف و از جمله تسلیحات کشتار جمعی بهره جسته اند. در ادامه به تاریخچه استفاده هر یک از تسلیحات کشتار جمعی می پردازیم.

۱-۸-۱: تاریخچه کاربرد سلاح هسته ای

در ابتدا اشاره ای می کنیم به نحوه تولید بمب هسته ای: اولین تلاش ها در جهت ساخت بمب اتمی در آلمان نازی آغاز گشت. در این دوران، شیمیدانی به نام پل هارتک از اساتید دانشگاه هامبورگ به توان بالقوه نیروی اتمی برای کاربردهای نظامی پی برد. وی در ۲۴ فوریه ۱۹۳۹ امکان استفاده از انرژی هسته ای به عنوان یک سلاح با توان تخریبی نامحدود را طی نامه ای به وزارت جنگ در برلین اطلاع داد. به دنبال این امر گروهی برای تحقیق در این رابطه تشکیل شد و وارنرهایزنبرگ فیزیکدان برجسته آلمانی به طور غیر رسمی سرپرست تیم تحقیقاتی آلمان برای ساخت بمب هسته ای گشت. در همین زمان، آلبرت انیشتین طی نامه معروف خود به روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا خطر دستیابی آلمان به تولید بمب اتمی را گوشزد کرد. متعاقب این اخطار روزولت دستور ایجاد پروژه منهن با هدف تحقیق در این رابطه و تولید بمب اتمی را با همکاری کشور انگلستان صادر کرد. برای این پروژه تأسیساتی در لوس آلاموس در ایالت نیومکزیکو، اوک ریج در ایالت تنسی و همفورد در ایالت واشنگتن به کار گرفته شدند و تیمی از برجسته ترین دانشمندان آن دوران به استخدام این پروژه در آمدند. محققان آلمانی موفق به تولید بمب اتمی نشدند. اگرچه ادعاهایی در زمینه آزمایش نوعی ابزار هسته ای توسط نازی ها پیش از پایان جنگ جهانی دوم مطرح شده است. اما تیم آمریکایی به سرپرستی فیزیکدان برجسته، جی آر اوپنهایمر موفق به ساخت عملی اولین بمب هسته ای شد که در ۱۶ جولای ۱۹۴۵ در ناحیه ای موسوم به ترینیتی در نیومکزیکو آزمایش شد.^۱

بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی دو عملیات اتمی بودند که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام گرفتند. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخته شد که

^۱ <http://fa.wikipedia.org/wiki...>

باعث کشتار گسترده شهروندان این دو شهر گردید. حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل می‌دادند. بیش از نیمی از قربانیان بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ بر اثر اثرات مخرب تشعشعات رادیو اکتیو جان خود را از دست دادند.^۱ بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگازاکی تا به امروز تنها موارد استفاده جنگی از سلاح هسته‌ای در جهان است.^۲

^۱ <http://fa.wikipedia.org/wiki...>

^۲ عملیات اول: بمباران هیروشیما: عملیات اول در تاریخ دوشنبه، ساعت ۸:۱۵ صبح روز ۶ اوت ۱۹۴۵ به وقت محلی در شهر هیروشیما انجام گرفت. بمب اتمی اول به نام پسرک توسط یک هواپیمای بمب افکن به نام انولا گی (Enola Gay) بر روی هیروشیما انداخته شد. برای تأثیر تخریبی بیشتر، بمب به نحوی تنظیم شده بود که ۵۷۶ متر بالای سطح زمین منفجر شود. انرژی تولید شده توسط این بمب برابر بود با انرژی حاصل از ۱۵ کیلو تن تی‌ان‌تی. فعل و انفعالات اتمی در مرکز این بمب باعث گرمائی حدود چندین میلیون درجه سانتیگراد شد. این گرمای عظیم هر چیزی را تا شعاع یک و نیم کیلومتری مرکز اصابت بمب بطور کلی ذوب نمود. مردمی که از دور دست انفجار «پسرک» را در آسمان هیروشیما مشاهده کردند می‌گفتند که خورشید دیگری را در آسمان دیده‌اند. ۲/۳ ساختمان‌های هیروشیما از جمله کارخانه های فولادسازی و صنعتی چون میتسوبیسی در اثر این بمباران نابود شدند. تنها چیزی که از شهر باقی ماند ساختمان تالار ترویج صنعتی استانی هیروشیما بود که انفجار، بالای گنبد این بنا رخ می‌دهد و به خاطر قرار گرفتن در کانون مرکزی انفجار، کاملاً ویران نشد.

عملیات دوم: بمباران ناگازاکی: دو روز پس از بمباران هیروشیما و بر خلاف انتظار و میل آمریکا، دولت شوروی به امپراتوری ژاپن اعلان جنگ داد و نیروهای ارتش سرخ شوروی به مواضع ژاپن در منچوری یورش بردند. ورود شوروی به جبهه جنگ اقیانوس آرام باعث شد که دولت آمریکا مصمم شود هرچه سریعتر جنگ را به نفع خود و بدون مشارکت شوروی خاتمه دهد. در این راستا استفاده بیشتر از سلاح هسته‌ای ساده‌ترین راه فشار بر ژاپن بود، و نیروهای مسلح آمریکا برای استفاده مجدد از بمب هسته‌ای نیازی به مجوز جدید دولت نداشتند؛ زیرا مجوزی که ترومن برای حمله اتمی صادر کرده بود اجازه استفاده از بمب‌های جدید را می‌داد. بر اساس اطلاعات هواشناسی نیروی هوایی آمریکا، بازه زمانی مساعد برای حمله دوم به ژاپن سه روز پس از حمله اول پدیدار می‌شد، و باید از این بازه حداکثر استفاده به عمل می‌آمد. هدف بعدی برای بمباران هسته‌ای، شهر کوکورا بود که صنایع گسترده نظامی و اسلحه‌سازی در آن وجود داشت. در ابتدای مأموریت بر اساس گزارش هواشناسی، دید مناسبی برای هدفگیری بر فراز کوکورا وجود داشت. اما وقتی هواپیمای بمب‌افکن به حدود منطقه مورد نظر رسید، تمام آسمان شهر با دود و غبار پوشیده شده بود و امکان پیدا کردن هدف را از میان برده بود. علاوه بر دید کم، پدافند هوایی و ظاهر شدن هواپیما های شکاری ژاپن مسأله را کمی بغرنج کرده بود. پس از صرف نظر از بمباران منطقه کوکورا، بمب‌افکن آمریکایی فقط سوخت کافی برای بازگشت به پایگاه هوایی در اوکیناوا داشت. فرمانده عملیات تصمیم گرفت که بجای رها کردن بمب اتمی در

۱-۸-۲: تاریخچه کاربرد سلاح شیمیایی

والتر جونز در خصوص شیوه های گوناگون و سابقه تاریخی جنگ شیمیایی می نویسد:

جنگ های شیمیایی شامل چندین روش برای استفاده از مواد شیمیایی جهت مسموم نمودن، سوزاندن، کورکردن، به خاطر انداختن و در مجموع از میان بردن توان رزمی نیروهای دشمن است. استفاده از مواد شیمیایی در جنگ سابقه طولانی و شنیدنی دارد. اولین مورد ثبت شده از به کارگیری مواد شیمیایی در جنگ، ریختن نوعی ثعلب سمی توسط یکی از قانونگذاران آتن در مخزن آب ارتش «کرها» در سال ۶۰۰ پیش از میلاد بود که موجب شکست این ارتش را فراهم ساخت. در حالی که دشمن تلاش می کرد با بیماری اسهال که سربازان دچار آن شده بودند مقابله کند، نیروهای آتن فاتحانه وارد شهر شدند. (جونز، ۱۳۷۳: ۱۸۹-۱۸۸)

تاریخ دقیق اولین کاربرد ماده شیمیایی به عنوان یک سلاح جنگی مشخص نیست. در زمان های گذشته، اولین بار بشر از نفت و قیر به عنوان عامل شیمیایی استفاده کرده است. در جنگ های ساسانیان با رومی ها به منظور تسخیر دژهای دشمن، سپاه ساسانی نقب هایی حفر می کرد و به هنگام برخورد با نقب دشمن، دو طرف می کوشیدند سربازان حریف را با سوزاندن گوگرد بیرون برانند. در جنگ انگلستان با بوئرها در سال ۱۸۹۹، ارتش انگلستان از توپ های حاوی اسید پیکریک استفاده کرد که اثر تهوع زا داشتند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲) همچنین در طول جنگ جهانی اول، آلمان ها به دفعات از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کردند. آلمانی ها برای اولین بار گاز کلر را در ۲۲ آوریل ۱۹۱۵ در ایپر بلژیک علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادایی که هیچ ماسکی برای حفاظت نداشتند، به کار بردند، تلفات ناشی از کاربرد این گاز در حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر بود. (همان: ۱۳)

دریا و یا بازگرداندن آن به پایگاه، بهتر است آن را بر روی ناگازاکی بیندازند که در مسیر بازگشت بمبافکن به پایگاه هوایی در اوکیناوا قرار داشت و یکی از اهداف کم اهمیت تر ژاپن محسوب می شد. آسیبهای وارده به هیروشیما به مراتب بیشتر از ناگازاکی بوده است، چرا که هیروشیما شهری صاف بوده و تشعشعات هسته ای تمام شهر را در نوردید ولی ناگازاکی حالتی داشت که شهر در میان دو دره تقسیم شده بود و نصف شهر در یک دره و نصف دیگر در دره مجاور قرار داشت و با رها سازی بمب هسته ای در یکی از دره ها بخش دیگر شهر که در دره دیگر قرار داشت به مراتب آسیب کمتری دید. بدین ترتیب در تاریخ پنجمشنبه ۹ اوت ۱۹۴۵ میلادی، بمب دیگری به نام «مرد چاق» (Fat Man) بر روی شهر ناگازاکی انداخته شد. پس از نابودی ناگازاکی، ژاپن مجبور به تسلیم شد.

علاوه بر آلمان ها، کشورهایی که در جنگ جهانی اول به کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی مبادرت ورزیدند، عبارت بودند از: مجارستان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، روسیه و آمریکا. نیروهای ترکیه در این جنگ به جنگ افزارهای شیمیایی مجهز بودند ولی ظاهراً از آنها استفاده نکردند. (علایی، خواجه کاوسی، ۱۳۷۱: ۴۵-۴۴)

آمریکا در خلال جنگ جهانی اول یک هنگ مجهز به سلاح های شیمیایی را وارد میدان نبرد کرد و این واحد ویژه تنها در یک نبرد ۲۰۰۰ گلوله حاوی گازهای سمی به سوی دشمن پرتاب نمود. (جونز، پیشین: ۱۹۰)

در نوامبر ۱۹۳۵، به هنگام حمله ایتالیا به اتیوپی، سربازان موولینی علیه مردم بی پناه اتیوپی از گاز سمی استفاده کردند که در این تهاجم شیمیایی ۱۵ هزار نفر قربانی شدند. (علایی، ۱۳۶۷: ۱۲)

در جنگ جهانی دوم همه متخصصان اصلی^۱ گازهای سمی مختلفی داشتند. «احتمالاً در این زمان میزان کل ذخایر جنگ افزارهای شیمیایی توسط قدرت های اصلی متخاصم ...، دو برابر آنچه که در طول جنگ اول استفاده می شد، می رسید» (علایی، خواجه کاوسی، پیشین: ۴۶)

بنا به گفته والتر جونز: یک قطره از هر یک از دو گاز سمی «سارین» و «تابون» در صورت نفوذ به بدن انسان از طریق پوست، مرگ را به دنبال خواهد داشت. تماس با این دو گاز سمی عوارضی چون اسهال، استفراغ، کوفتگی، اختلال تنفسی به همراه داشته و ظرف چند لحظه موجب هلاکت می شود. (جونز، پیشین: ۱۹۲-۱۹۱)

اما فاجعه آمیزترین کاربرد سلاح های شیمیایی، استفاده عراق از این جنگ افزارها در طول ۸ سال جنگ تحمیلی بود. در این جنگ نیروهای عراقی پس از شکست های متعدد در مناطق مختلف جبهه جنگ به استفاده از انواع عوامل شیمیایی علیه افراد نظامی و غیر نظامی روی آوردند و در این مدت با استفاده از انواع مهمات شیمیایی از قبیل بمب، گلوله های توپ و خمپاره گه حاوی گازهای سمی و کشنده ای همچون عوامل عصبی، گازهای خردل، سیانور و عوامل خفه کننده بودند، به نقض آشکار تعهدات مربوطه خود در کنوانسیون های بین المللی پرداخت. (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، پیشین: ۱۷)

^۱ انگلستان، فرانسه، آمریکا، شوروی، ژاپن، آلمان و ایتالیا

دکتر محسن رضایی در این خصوص می نویسد که: در عملیات والفجر ۱۰، تعداد زیادی از شهرها و روستاهای عراق مثل حلبچه که از نظر اجتماعی و سیاسی تأثیر بسیار مهمی در داخل و خارج از عراق داشت، آزاد شد. به دلیل فشار سنگینی که بر عراق وارد شد، رژیم بعث عراق تصمیم گرفت شهرها و روستاهای آزاد شده را مورد حمله شیمیایی قرار دهد. چون می ترسید مردم این شهرها، تحت تأثیر انقلاب اسلامی و مردم ایران، مسلح و سازماندهی شوند و شهرهای شمالی عراق مثل سلیمانیه، کرکوک و اربیل را از دست آنها خارج کنند، لذا جنگنده های دشمن همه شهر حلبچه را بمباران شیمیایی کردند که باعث شد تعداد بسیاری از مردم در آنجا قتل عام شوند، به نحوی که خبرنگاران خارجی که به این مناطق رفتند، گزارش کردند که خانواده هایی را دیدیم که همگی در کنار یکدیگر به شهادت رسیده بودند و یا مادری که بچه در بغل داشت به شهادت رسیده بود.^۱ (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۸۵) همچنین از دردناک ترین مصادیق کاربرد تسلیحات شیمیایی استفاده عراق از این تسلیحات علیه مردم سردشت در تاریخ روز هفتم تیر ماه ۱۳۶۶ بود. که هفت بمب شیمیایی از نوع خردل در مناطق مختلف شهر انداختند. بر طبق آمارهای رسمی از شهر دوازده هزار نفری سردشت، هشت هزار و بیست و پنج نفر مصدوم شیمیایی شدند و کل آمار شهدا یکصد و سی نفر اعلام گشت، روحشان شاد.

^۱ سر لشکر «وفیق سامرایی» رئیس پیشین استخبارت (اطلاعات) نظامی عراق در این خصوص می نویسد: «جنایتی که در حلبچه اتفاق افتاد، توسط ۵۰ فروند جنگنده قذافی صورت گرفت. محموله هر یک از این جنگنده ها چهار بمب شیمیایی بود. این حمله به دستور صدام صورت گرفت. بمباران حلبچه به دلیل ناامیدی و یاسی بود که در صدام به وجود آمده بود. زیرا ایرانی ها منطقه دربندیخان و حلبچه و مناطق اطراف آن را مورد تهاجم قرار داده و موفقیت هایی کسب کرده بودند. در این حملات گروههای کُرد آنها را همراهی می کردند. صدام تیپ و لشکرها را یکی پس از دیگری به مقابله با نیروهای ایران فرستاد تا مانع از پیشروی در عراق شوند، اما هیچ نتیجه ای در پی نداشت و خسارات فراوانی به نیروهای عراقی وارد شد. در انتقام از این حمله، صدام دستور داد حملات شیمیایی گسترده ای را روی حلبچه انجام دهند. نظر استخبارات عراق کاملاً متفاوت بود. سازمان سیا به ما اطلاع داد که تعداد محدودی از واحدهای توپخانه ایران از محور شرق شط العرب به محور حلبچه در شمال انتقال یافته اند. ما با توجه به مسئولیتی که داشتیم صدام را از این امر با خبر ساختیم. بخش عظیمی از واحدهای توپخانه ایران از فاو عقب نشینی کردند. تشکیلات ما برای مقابله با حمله ایران در حلبچه آماده شد، اما صدام با چنین فاجعه ای موافقت کرد.» (رضایی، پیشین: ۱۸۵)